

Translator: Artemis

Editor: Sg ~



[Instagram.com/irisekai/](https://www.instagram.com/irisekai/)



t.me/iriSekai/



IriSekai191008@gmail.com





خب، بیاین
یکبار دیگه وضعیتو
بررسی کنیم.

لرزش

تو نمی تونی هیچ چیز
توی دنیای مارو عوض
کنی، که شامل من و
شاهزاده هم میشه.

هرچند،
میتونی هرچیزی
راجب خودت رو
تغییر بدی؟

آره. کاملاً مطمئن
نیستم، ولی...

MUNCH



فکر کنم بخاطر اینه
که خارجی ام و به این
دنیا تعلق ندارم.



هممم...

Iris Sekai
Time / Iri Sekai

به عبارتی، میتونی
تبدیل به هرچی که میخوای
بشی، چون در اصل به این
اینجا تعلق نداری.



چون تو خالقی و قابلیت
نامحدود داری، برخلاف
مردم اینجا که توی داستان
سرنوشت از پیش تعیین
شده دارن.

قابلیت
نامحدود...





هه، چپی فکر
کردی؛ الان خوب
حواسه به قدرت من
هسته دیگه؟



بهتره هیچوقت
اون روی سگ منو
بالا نیاری.

هاها

...
یادم
می مونه.



خب حالا.
منو ببر به اون
مکان.

جایی که من
میتونم به جهان
خودم برگردم.



...

همونطور
که قبلا گفتم.

HMPH

برای برآورده
کردن آرزوت باید
برگردم.

...درسته.

پس، منم باهاتون
میام سرورم.

نه.

ولی...

اونجا زیادی
خطرناکه و اجازه
نمیدم با ما بیای.



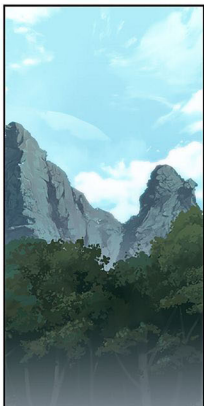
مترجم: شیپ کنیم یا زوده! وازر قیاقه ش چوریه
که انگابی خیر داستانش یانویی در اومده



هر طور مایلی شاهزاده

Original: Mokgambi • Comic: Antstudio

-6-



قلعه من لبه
بندر قرار گرفته.

پیش روی ما
جنگل شمالیه.

خب، البته
مطمئنم اینارو از
قبل میدونی.



هممم. راستشو
بخوای بزرگ تر و
انبوه تر از اونیه که
فکرشو می کردم.

بهر حال...



چطوریه زن بالغی
مثل تو نمی تونه اسب
سواری کنه؟

تو فاراسین اولین چیزی
که بعد از راه رفتن یاد
میگیریم اسب سواریه.



حالا انگار
تقصیر خودمه.

چایی که من ارش
اومدم کسی اسب سواری
نمی کنه.



خب، هرچی
نباشه تو عجوزه
قهار مایی.

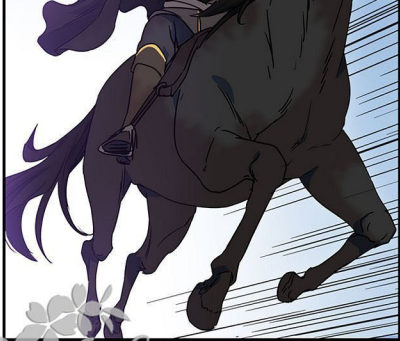
فکر کنم نیازی به
اسب نداری اصن.



انتقد واس اینسکه
عرضه اسب سواری
ندارم نق نزن!

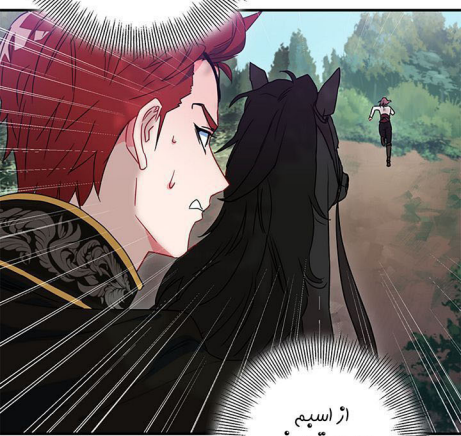




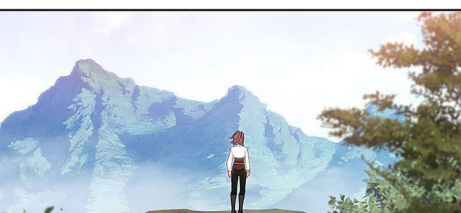


Iris Sekai
Time/Iris Sekai

چرا پھش
نمی رسیم...؟!

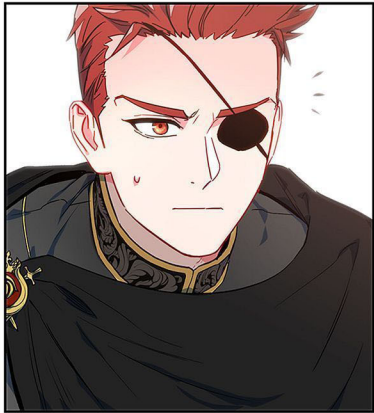


از اسبم
سریع تره ینی
!؟...





هه، بهت
گفتم امرا بنارم
قصر در برگ.



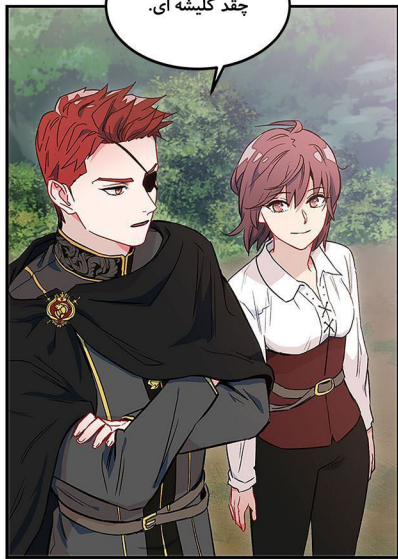
همه اینا...
ساخته دست منه.



هیچوقت تصورشو
نمی کردم همچین چیزی
بینم. حتی توی رویاهام.

...هوم.

چقد کلیشه ای.

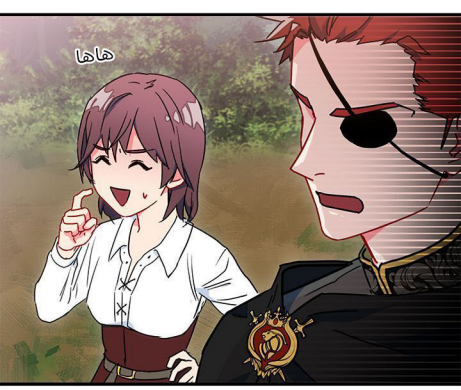


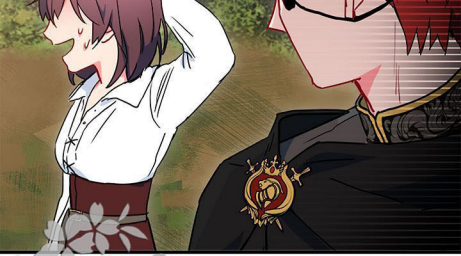
راستی ازت
نا امید شدم.

حتی با اینکه
رو اسب سواری
سرعتت کمه...

در عجبم که تو،
همونطور که خودت
میگفتی واقعا قوی ترین
شمشیرزن امپراطوری
هستی؟







Iris Sekai
Time/Iris Sekai

همم پس
که اینطور



حالا انقدر اجیش لاف
میزدی جادوگری کرده بودی
که از مون بزنی جلو؟

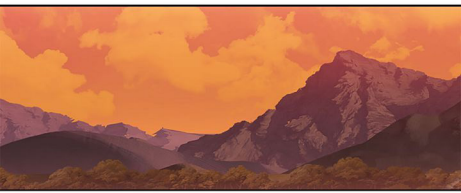
هی، اگه
حسودیت میشه یه
دور امتحانش کن.

ای جوجه.....

HEHE

SEETHE

آخیش... حالا قبل
اینکه هوا تاریک شه به
راهمون ادامه بدیم. دیگه
تقریبا رسیدیم.



تف تو این
شانس...

STAB

مطمئنی همینه؟

معلومه. فکر کردی
جایی که تقریباً داشتم
به فنا میرفتمو فراموش
می کنم؟

فقط این نیست.
من اینجا چشممو از
دست دادم.



امكان نداره اشتباه
گرفته باشم!

ولی آخه...
چرا هیچی اینجا
نیست؟

...لعنتی!





عاج...!

سرورم!



هاهاهاها!
بالاخره تونستم.
کورش کردم!

مثل اینکه همه
حرفایی که راجب
استعداد شاهزاده سوم
تو شمشیرزنی میگفتن
همش بلوف بود!

چه خایه ای
داری!

امن خالیه
داری با کی
میجنگی...؟!



آره. خیلی
خوب میدونم.

سومین
شاهزاده تاج و
تخت فاراسین.

و مایه دردسر
خاندان پادشاهی.

و... نطفه حرومی
یه خدمتکار، درست
میگم؟

چه چطور
جرئت میکنی
!....

کی تورو
فرستاده؟

Iris Sekai
Time/IriSekai

خودت چی
فکر میکنی؟

آدمای زیادی
هستن که میخوان
تو از بین بری.

STEP

...آینزن کایت.

اگه بخاطر گناهانت توی
انظار عمومی به دار بکشت
خیلی بیشتر بهت میاد.

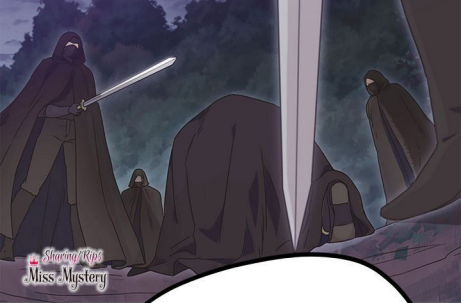
SCHWING

ولی، یه نفر درخواست
کرد که یکم مراقبت باشیم.
باید بری خداتو شکر کنی.

هه...
لطف دارن.

صداش...
قبلا کجا صداشو
شنیدم...؟

آماده
مرگ باش.



شاهزاده بدبختی.

ادامه دارد